



از سرنوشت آدم (ع) تا بنی آدم در قرآن؛ زندگی، مرگ و معاد

حضرت آدم (ع) اولین آدمی است که روی کره زمین به عنوان اولین مصداق انسان وجود داشته است. بر اساس آیات قرآن می‌توان داستان همه انسان‌ها را در سه کلمه خلاصه کرد: زندگی، مرگ و معاد.

حضرت آدم (ع) اولین آدمی است که روی کره زمین به عنوان اولین مصداق انسان وجود داشته است. بر اساس آیات قرآن می‌توان داستان همه انسان‌ها را در سه کلمه خلاصه کرد: زندگی، مرگ و معاد.

آدم (ع) پدر همه کسانی است که از خاک آفریده شده اند، «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» در واقع مثل عیسی نزد خدا همچون مثل [خلقت] آدم است [که] او را از خاک آفرید سپس بدو گفت باش پس وجود یافت». (آل عمران، 59). آدم در اصل کلمه‌ای عبری است که معانی آن خاکی یا سرخ رنگ است ولی ریشه اصلی آن در زبان عبری به درستی معلوم نیست. در میان کنعانیان قدیم آدم به معنای انسان و نام خداوند در زمین و در زبان عربی به معنای فرد گندم‌گون است. در پیامبر بودن او بسیاری از مفسران اختلاف نظر دارند. در قرآن اشاره‌ای غیر صریح به پیامبری او هست. «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَآلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ» به یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است». (آل عمران، 33) در قرآن کریم 25 بار نام آدم آمده است و در آیات دیگری به او اشاره شده ولی داستان آفرینش انسان در شش سوره به طور مشخص پیوسته و مفصل‌تر بیان گردیده است. به نظر می‌رسد موضوع در آیاتی که نام آدم (ع) آمده است، همیشه یک شخص خاص به عنوان اولین انسان نیست و بر بسیاری از موارد انسان انعکاسی از زندگی همه انسان‌ها را در سرگذشت پدرشان می‌بینند.

آدم، نه فرشته و نه شیطان

خداوند اولین معلم انسان می‌شود و دستور می‌دهد تا فرشتگان به آدم سجده کنند، ابلیس در این میان به آدم سجده نمی‌کند. انسان از این‌رو نه فرشته است و نه شیطان.

«وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ* وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ* قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ* قَالَ يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ فَلَمَّا أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ الْغَيْبَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ* وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» و چون پروردگار تو به فرشتگان گفت من در زمین جانشینی خواهم گماشت [فرشتگان] گفتند آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد و خون‌ها بریزد و حال آنکه ما با ستایش تو [تو را] تنزیه می‌کنیم و به تقدیست می‌پردازیم فرمود من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید* و [خدا] همه [معانی] نامها را به آدم آموخت سپس آنها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی اینها به من خبر دهید* گفتند منزهی تو ما را جز آنچه [خود] به ما آموخته‌ای هیچ دانشی نیست تویی دانای حکیم* فرمود ای آدم ایشان را از اسامی آنان خبر ده و چون [آدم] ایشان را از اسماءشان خبر داد فرمود آیا به شما نگفتم که من نهفته آسمان‌ها و زمین را می‌دانم و آنچه را آشکار می‌کنید و آنچه را پنهان می‌داشتید می‌دانم* و چون فرشتگان را فرمودیم برای آدم سجده کنید پس بجز ابلیس که سر باز زد و کبر ورزید و از کافران شد [همه] به سجده درافتادن». (بقره، 30-34)

از اخراج شیطان تا دشمنی ابدی با بنی آدم (ع)

شیطان نافرمانی کرد و از بارگاه الهی اخراج شد و تهدید کرد که تا روزگار است به فریب فرزندان انسان خواهد پرداخت. انسان به همراه همسرش در باغ سکنی گزید و تنها خط قرمز نزدیکی شدن به یک درخت بود. اما گویا انسان اولین قربانی ابلیس قرار گرفت.

«قَالَ مَا مَتَعَكَ إِلَّا نَسْجُدٌ إِذْ أَمَرْتُكَ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن تَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ* قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ* قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ* قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ* قَالَ فِيمَا أُتُوْتَنِي لِأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ* ثُمَّ لَا يَتَّبِعُهُم مِّن بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ* قَالَ اخْرُجْ مِنْهَا مَذْذُورًا مَّدْحُورًا لَّمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ* وَيَا آدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ* فرمود چون تو را به سجده امر کردم چه چیز تو را باز داشت از اینکه سجده کنی گفت من از او بهترم مرا از آتشی آفریدی و او را از گل آفریدی* فرمود از آن [مقام] فرو شو تو را نرسد که در آن [جایگاه] تکبر نمایی پس بیرون شو که تو از خوارشدگانی* گفت مرا تا روزی که [مردم] برانگیخته خواهند شد مهلت ده* فرمود تو از مهلت‌یافتگانی* گفت پس به سبب آنکه مرا به بیراهه افکندی من هم برای [فریفتن] آنان حتما بر سر راه راست تو خواهم نشست* آنگاه از پیش رو و از پشت سرشان و از طرف راست و از طرف چپشان بر آنها می‌تازم و بیشترشان را شکرگزار نخواهی یافت* فرمود نکوهیده و رانده از آن [مقام] بیرون شو که قطعاً هر که از آنان از تو پیروی کند جهنم را از همه شما پر خواهم کرد* و ای آدم تو با جفت‌خویش در آن باغ سکونت گیر و از هر جا که خواهید بخورید و [لی] به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید

شد». (اعراف، 12-19)

گناه نخستین

آدم (ع) بهترین وضعیت را داشته و گرسنگی، برهنگی، تشنگی و آفتاب زدگی از او دور بوده است. از این آیات چنین بر می آید که اگرچه شیطان از بارگان الهی رانده شده بود امکان نزدیک شدن به پدر بشر را داشته است. بر خلاف عهد عتیق همسر آدم انسان را فریب نداده و این خود شیطان بوده است که به فریب آدم (ع) پرداخته است، هر چه باشد گناه نخستین در سراب رسیدن به جادودانگی رقم خورده است.

«فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِرَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَتَكُمَا مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَى* إِنَّ لَكَ أَلًا تَجُوعُ فِيهَا وَلَا تَعْرِى* وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَضْحَى* فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى: پس گفتیم ای آدم در حقیقت این [ابلیس] برای تو و همسرت دشمنی [خطرناک] است زنهار تا شما را از بهشت به در نکند تا تیره بخت گردی* در حقیقت برای تو در آنجا این [امتیاز] است که نه گرسنه می شوی و نه برهنه می مانی* و [هم] اینکه در آنجا نه تشنه می گردی و نه آفتاب زده* پس شیطان او را وسوسه کرد گفت ای آدم آیا تو را به درخت جادودانگی و ملکی که زایل نمی شود راه نمایم». (طه، 117-120)

فرایند اولین فریب

فرایند فریب آدم (ع) توسط شیطان جالب است و شاید همیشه در زندگی فرزندان تکرار می شود، وقتی انسان وعده و فرمان الهی را فراموش می کند و آن را با فریب شیطان عوض می کند.

«فَوَسَّوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْآتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ* وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ: پس شیطان آن دو را وسوسه کرد تا آنچه را از عورت هایشان برایشان پوشیده مانده بود برای آنان نمایان گرداند و گفت پروردگارتان شما را از این درخت منع نکرد جز [برای] آنکه [مبادا] دو فرشته گردید یا از [زمره] جادودانان شوید* و برای آن دو سوگند یاد کرد که من قطعاً از خیرخواهان شما هستم». (اعراف، 20-22)

«فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتْ لَهُمَا سَوْآتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى: آنگاه از آن [درخت ممنوع] خوردند و برهنگی آنان برایشان نمایان شد و شروع کردند به چسبانیدن برگ های بهشت بر خود و [این گونه] آدم به پروردگار خود عصیان ورزید و بیراهه رفت». (طه، 121)

اولین توبه

پس از گناه و تغییرات حاصل از آن اولین انسان ها متوجه اشتباه خود شدند و از خدا خواستند تا ایشان را ببخشد. اولین توبه رخ داد.

«قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ: گفتند پروردگارا ما بر خویش تن ستم کردیم و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود». (اعراف، 23)

اولین بخشش، تشریح داستان همه بشر

خروج از وضعیت آرمانی برای اولین پدر بشر آغاز دشواری است. در این آیات مزایای اطاعت و عاقبت سرپیچی از امر الهی بیان شده است. اگرچه خداوند آدم (ع) و همسرش را بخشید اما بنی بشر نظیر پردهانشان یافتند.

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى* قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَلَمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هَذِي فَمَنِ اتَّبَعَ هَذَا فَلَا يُضِلُّ وَلَا يَشْقَى* وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى: سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشد و [وی را] هدایت کرد* فرمود همگی از آن [مقام] فرود آید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت* و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محسوس می کنیم». (طه، 122-124)

زندگی، مرگ و معاد

داستان انسان در زندگی را می توان از قرآن خواند. فرود انسان از جایی که در اصل بوده است موقتی است. مرگ پایان زندگی در این جهان است. آیه 25 سوره اعراف خلاصه ای تکان دهنده از زندگی بشر در جهان مادی است؛ زندگی، مرگ و معاد.

«قَالَ اهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَى حِينٍ* قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ: فرمود فرود آید که بعضی از شما دشمن بعضی [دیگر] آید و برای شما در زمین تا هنگامی [معین] قرارگاه و برخورداری است* فرمود در آن زندگی می کنید و در آن می میرید و از آن برانگیخته خواهید شد». (اعراف، 24-25)